

موهبت خلیج فارس سی نقد می شود



وجدعظیمیا دبیر گروه اقتصادی

پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، به مناسبت روز ملی خلیج فارس از آن جهت مهم است و باید مورد توجه قرار ی‌گیرد که موهبت خلیج فارس را یکی از نعمت‌های الهی برای مردم مؤمن کشورمان مورد توجه قرار می دهد و یادآور می‌شود این سرمایه را هر فردی مورد طمع شیاطین است، اما با جانفشانی ملت ایران، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است. خلیج همیشه فارس برای ایران اسلامی یک دارایی معمولی نیست و رفته‌رفته اهمیت آن برای همگان آشکار می‌شود، چراکه این منطقه در نقطه تلاقی جغرافیای سیاسی، انرژی و تجارت جهانی قرار دارد و تنگه هرمز، به‌عنوان حساس‌ترین ابراه جهان، نقش دروازه ورود و خروج بخشی مهم از جریان انرژی بین‌المللی را بر عهده دارد.بنابراین، چنین موقعیتی برای هر کشوری به‌تنهایی یک امتیاز بزرگ محسوب می‌شود.اما برای ایران عزیزمان به‌سبب همجواری جغرافیایی و عمق تاریخی و پیوندهای امنیتی، اهمیت دوچندان دارد و کشورمان که در مجاورت یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان قرار دارد، با مدیریت هوشمندان این آبراه، از یک موقعیت دفاعی، یک مزیت اقتصادی پایدار می‌سازد.

از منظر اقتصادی، نخستین آورده این موهبت، افزایش وزن اقتصاد جغرافیامحور کشورمان است، به این معنا که جغرافیا به منبع تولید قدرت اقتصادی تبدیل شده است و این قدرت در خلیج فارس و تنگه هرمز وجود دارد و به واسطه مقاومت بی‌نظیر ملت در حال نقد شدن است. طبعاً هر قدر کشورمان بتواند ثبات، امنیت و نظم را در این محدوده تقویت کند، در عمل به بازیگری تبدیل می‌شود که علاوه بر معادلات منطقه‌ای، در محاسبات انرژی و تجارت جهانی نیز اثر گذار است و این اثر گذاری، به معنای افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر فشارهای خارجی و مدیریت تحریم‌هاست؛ چراکه کشوری که در یک گره‌گاه حیاتی جهانی حضور دارد، الزاماً در مذاکرات اقتصادی و سیاسی نیز وزن بیشتری پیدا می‌کند.

آورده دوم، کاهش هزینه‌های بی‌ثباتی برای اقتصاد ملی است. در طول مقاومت بیش از دو ماهه جنگ تحمیلی سوم ددیم که ناامنی در خلیج فارس، بلافاصله به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، اختلال در حمل و نقل دریایی، رشد هزینه بیمه، کاهش اطمینان تجار و نوسان قیمت انرژی منجر می‌شود و کشورمان بیش از دیگران می‌تواند از تبدیل تهدید به فرصت بهره‌برد و به آن جمله طلایی حاج قاسم عزیز عنینت ببخشد که «همیزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد در خود فرصت‌ها نیست».امنیت این آبراه بر پایه منطبق بومی و بدون مداخله بیگانگان



تنظیم می‌شود و فضای اقتصادی منطقه از حالت پرریسک خارج می‌شود.بنابراین، کشورمان می‌تواند از این ثبات، در مسیر تقویت تجارت، ترانزیت، بنادر و صنایع پشتیبان بهره‌گیرد.

آورده سوم، ایجاد ظرفیت برای توسعه بخش‌های پیشران اقتصاد است. بنادر جنوبی کشورمان، مناطق آزاد، صنایع دریایی، خدمات بندری، کشتیرانی، تعمیرات شناور‌ها، بیمه دریایی، لجستیک و زنجیره تأمین، همگی به‌طور مستقیم از امنیت و کارآمدی خلیج فارس و تنگه هرمز اثر می‌پذیرند.بنابراین با تثبیت قواعد مورد نظر کشورمان، اما تصور این جذب سرمایه‌گذاری داخلی و منطقه‌ای نیز افزایش می‌یابد و این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند به اشتغال، ارزآوری، توسعه زیرساخت و ارتقای بهره‌وری منجر شوند. در واقع، خلیج فارس فقط منبعی برای عبور کالا نیست، بلکه سکوی شکل‌گیری یک خوشه اقتصادی گسترده در جنوب ایران پهناور ماست.

آورده چهارم، تقویت مسیرهای مقاومت‌سازی اقتصاد در برابر تحریم است. طبعاًتحریم‌زمانی بیشترین اثر را می‌گذارد که اقتصاد یک کشور از نقاط حساس خود منفک باشد و امکان ماثور براساس داشته‌هایش را نداشته باشد، اما خلیج همیشه فارس و تنگه راهبردی هرمز این امکان را به ما می‌دهند که از موقعیت جغرافیایی خود برای کاهش انزوای اقتصادی استفاده کنیم.البته این به معنای آن نیست که همه فشارها از بین می‌روند، اما به این معناست که می‌توانیم از موضع ضعف خارج شویم و عمده فشارهای تحریمی را با تکیه بر موقعیت راهبردی خود خنثی کنیم.بنابراین، چنین ظرفیتی در اقتصاد سیاسی امروز، نباید کم‌اهمیت جلوه داده شود؛ چه آنکه می‌تواند توازن میان فشار بیرونی و مقاومت درونی را به نفع کشورمان تغییر دهد.

اینکه فصل جدیدی در خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است، یک نظم فک است و در حوزه اقتصاد یعنی عبور از نظمی که امنیت منطقه را به حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای گره زده بود، به نظمی که امنیت را از دل همکاری، اقتدار بومی و مسئولیت‌پذیری کشورهای منطقه‌استخراج می‌کند. در این چارچوب، حضور رژیم تحریمی آمریکا نه تنها عامل ثبات نیست، بلکه به‌سبب ماهیت مداخله‌گرانه و وحشیانه‌اش، هزینه‌های امنیتی و اقتصادی را افزایش داده است. بنابراین، برای اینکه اقتصاد منطقه به ظرفیت واقعی خود برسد و از سایه تهدید بیرونی خارج شود، مستلزم بیرون نداشتن این رژیم تروریستی از منطقه‌ماست.

آورده مهمم دیگر این‌موهبت، ایجاد امکان برای شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای است. کشورهای ساحلی خلیج‌فارس و دریای عمان اگر به جای رقابت‌ها فرساینده، به سمت منافع مشترک حرکت کنند، می‌توانند شبکه‌ای از تعاملات پایدار در حوزه انرژی، حمل و نقل، تجارت، سرمایه‌گذاری و خدمات‌بندری ایجاد کنند. ایران ما در این میان، به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و عمق راهبردی خود، می‌تواند محور مهمی در چنین شبکه‌ای باشد و این همکاری‌ها، اگر بر پایه احترام متقابل و عدم مداخله بیگانگان شکل بگیرند، به سود همه کشورهای منطقه خواهد بود و ا شدت وابستگی خلیج فارس به بیرون‌ی بیرونی خواهد کاست.بنابراین برای کشورهای حاشیه خلیج فارس بهتر است راه خود را از دشمنان اسلام جدا کنند و اجازه ندهند مورد سوءاستفاده آنها قرار گیرند.

در نهایت، باید گفت موهبت خلیج فارس و نامانی ارزش کامل خود را نشان می‌دهد که به صورت هم‌زمان در خدمت امنیت، اقتصاد و استقلال قرار گیرد. این موهبت، اگر با مدیریت هوشمندانه همراه شود، می‌تواند از یک ظرفیت خام به یک اهم تمدن‌ساز تبدیل شود. ایران اسلامی در چنین شرایطی ضمن آنکه از یک موقعیت جغرافیایی ممتاز بهره‌مند می‌شود، می‌تواند آن را به ابزار تثبیت اقتدار ملی، گسترش رفاه عمومی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود تبدیل کند. خلیج فارس در این معنا، بیانگر یکی از مهم‌ترین فرصت‌های تاریخی ایران کنهن ما برای تبدیل قدرت دفاعی به قدرت اقتصادی و نظم‌ساز است و این مهم‌ان شاه‌دله در حال تحقق است.

چون جوان

گزارش یک پیناز قاسمی

جنگ تحمیلی امریکایی-صهیونیستی علیه ایران بیش از دوماه در یابی و تحریم‌های امریکا افزایش یافته است. اخیراً قیمت تورم از کالاها گران شده است.برخی دلیل گرانی‌ها راوقوع جنگ قلمدادمی‌کنندوبر قبول شروط امریکا تأکیددارند،اما برخی دیگرقبول شروط امریکارا خودکشی می‌دانند. سعید لیلاز، تحلیلگر اقتصادی، تورم فروردین‌ماه و افزایش قیمت‌ها را ناشی از ساختار جنگ ۱۲ روزه هم تورم داشته‌ایم و تورم ماهانه ۷٫۶٪ حتی ۸درصدی را تجربه کردیم.اما چیزی که من راذیت می‌کنداین است که این تورم‌را به‌عمد پایه‌سهبوبه‌جنگ نسبت دهیم.ایران رنگ‌قحطی‌را نخواهددید، زیرا حتی در سال‌های کم‌باران نیز ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیون تن در سال غذا تولید کردیم.طبیعتاً از محاصره اقتصادی دچار آسیب می‌شویم، اما اگر این محاصره ادامه یابد، چهار کشور حاشیه‌خلیج فارس می‌میرند.»

■ ■ ■

اکنون در ماه سوم جنگ رمضان قرار داریم. بعد از گذشت ۶۰روز تورم قیمتی و برخی گرانی‌ها در قیمت کالاها اتفاق افتاده است. برخی تورم ۷ تا ۸درصدی فروردین را وقوع جنگ می‌دانند و تصور می‌کنند که با قبول شروط امریکای جانپنکار و تحویل اورانیوم غنی‌شده، فشار اقتصادی و تحریم‌ها از کشورمان برداشته می‌شود.سعیدلیلاز،تحلیلگر اقتصادی، تسلیم در مقابل دشمن را خودکشی می‌داند و گرانی‌های اخیر را به جنگ مربوط نمی‌داند. وی جنگ تحمیلی امریکایی-صهیونیستی را جنگ آخرالزمانی عنوان کرده و درباره محاصره دریایی و تأثیر آن بر اقتصاد کشور می‌گوید: «ایران رنگ‌قحطی‌را نخواهددید، زیرا حتی در سال‌های کم‌باران نیز ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیون تن در سال غذا تولید کرده‌ایم که این شامل محصولات دریایی هم می‌شود.با این حال به نظر می‌رسداسمال‌با توجه‌به ترسالی، تولیدغذا درکشوربیشتر هم‌شود.» این تحلیلگر اقتصادی با بیان اینکه براساس آمار رسمی ما در سال غذای ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر را در ایران دور می‌اندازیم، می‌افزاید: «این موضوع به دلیل بد مصرفی و ضعف در نظام بسته‌بندی و نظام توزیع است. ما در زمینه واردات دراز داریم اما در مبلغ کسری داریم؛ یعنی واردات مواد غذایی ما بیشتر از صادرات است، اما در تناژ این‌طور نیست. پارسل ۴ میلیون تن گندم وارد کردیم و در بعضی سال‌ها ۷ میلیون تن وارد کرده‌ایم. ما توجه به ذخایر استراتژیک اسمال نیازی به واردات نیست.»

وی تأکید می‌کند: «اسمال دولت کار بزرگی کرد و اشتباه پارسل را جبران کرد و قیمت خرید تضمینی کم‌تر را به ۵۰هزار تومان رساند که البته تا ۷۰هزار تومان هم جا داشت، اما همین ۵۰هزار تومان باعث می‌شود که ایران رنگ‌قحطی را در کالاهای اساسی نبیند.»

وی می‌گوید: «بر بعضی از کالاها ممکن استد دچار مشکل شویم. البته ما از بازار عراق هر چه بخواهیم می‌توانیم وارد کنیم.من معتقدم میزان صادرات عملی ایران براساس گمرک ایران حدود ۵۵میلیارد دلار است، اما تصور من این است که میزان صادرات واقعی ما برابر باشد، زیرا از طریق فشار شبکه دولتی به بازرگان

■ ■ ■

گزارش ۲

سعیده زمانی

تجربه تحریم‌های ظالمانه و جنگ‌های تحمیلی علیه کشورمان در کنار مدیریت کرونا، تاب‌آوری اقتصاد کشورمان را علیه هر محدودیتی افزایش داده است.در جریان جنگ تحمیلی سوم نیز اگرچه دشمن برخی صنایع را مورد هدف قرار داد، برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد بازسازی آنها طی چند ماه آینده انجام می‌شود. شاهد این برآورد، تجربه بازسازی اقتصاد در کمتر از سه سال پس از جنگ تحمیلی هشت ساله، و بازسازی بازسازی اقتصاد طی یک سال و نیم پس از کرونا و تجربه یک ماه بازسازی اقتصاد پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به روایت مستندات است.

■ ■ ■

بی‌تردید از مهم‌ترین نقاط قوت کشورمان در برابر دسیسه‌های دشمن، تاب‌آوری در برابر حوادث است؛ دشمن در زمینه‌های مختلف اعم از انرژی، بانکی، تجاری و بازرگانی بسیار تلاش کرده است که اقتصاد را در ابعاد مختلف فلج کند. با این حال، تجربه ۴۷ساله برای تاب‌آوری در برابر تحریم‌ها، شرایط کشورمان را برای بازسازی اقتصاد نسبت به کشورهای که تجربه تحریم و جنگ نداشته‌اند، بیشتر کرده است. تجربه فاینانشال تایمز به تازگی در گزارشی به این نکته اذعان داشته و می‌نویسد: «طی چهار دهه گذشته، ایران آنچه را اقتصاد مقاومتی می‌نامد پتانژ کرده مدلی که برای تاب‌آوری در برابر جنگ، تحریم و صحنهت کشورهای نزدیک و دور طراحی شده است.»

این نشریه در ادامه با اشاره به تاب‌آوری اقتصاد ایران نوشته است: «ششانه‌های وجود دارد که اقتصاد مقاومتی تا اینجا بخشی از کارکرد موردانتظار خود را نشان داده است.» بسیاری دیگر از رسانه‌ها و تحلیلگران خارجی نیز به این موضوع اذعان داشته و معتقدند سابقه تحریم‌ها و تاب‌آوری اقتصاد ایران، منجر به عدم تحقق اهداف اولیه دشمن امریکایی و صهیونیستی در جنگ تحمیلی سوم شده است.

کارشناسان نسبت به بازسازی صنایع اقتصاد کشورمان طی چند ماه آینده امیدوار هستند، کم‌اینکه ایران تجربه مستحی را در دوران کرونا به لحاظ اقتصادی از سرگذراند و یک سال و نیم

اقتصاد

سرویس اقتصادی۶۰۰۸۸۵۲۲



محمدرضاعلی‌مددی | ابرنا

تورم این روزها را نباید به جنگ تحمیلی سوم نسبت داد

ایران رنگ قحطی را نخواهد دید

لیلاز: ما از محاصره اقتصادی دچار آسیب می‌شویم، اما اگر این محاصره ادامه یابد ۴ کشور حاشیه خلیج فارس می‌میرند

■ ■ ■

این تحلیلگر اقتصادی این جنگ را یک جنگ آخرالزمانی می‌داند و می‌گوید: «به نظر من ۷۰درصد نیروی نظامی جهان همه وزن‌ش را روی ایران انداخته است. ما خیلی سستی کردیم جلوی جنگ را بگیریم و نشد. ما چاره‌ای نداریم و مظلوم هستیم و حتماً هم این جنگ روی اقتصاد ایران اثر دارد، اما نباید آن را بزرگ کنیم.»

■

تورم ارتباطی به جنگ ندارد

لیلاز در تشریح چرایی تورم ایران می‌گوید: «واقعیت این است که اقتصاد ایران از دهه ۱۳۴۰ دچار تورم ساختاری بوده تا الان؛ چه با جنگ چه بی جنگ، چه با رقافت با امریکا یا بدون آن، چه با دشمنی با غرب یا بدون دشمنی، چه با افزایش در آمد ارزی یا بدون افزایش آن، ما دچار یک تورم ساختاری در اقتصاد ایران هستیم که ناشی از یک ناترازی در سرازو یک دولت بزرگ است.»

■ **کسری بودجه اسمال بین ۲ تا ۲۲هزار و ۵۰۰همت**
لیلاز معتقد است: «دنده دولت بزرگ و تا‌کلر ادماست و با این مقدار کم‌به‌کم در مندان خودحقوق می‌دهد، اما همین راه‌نمی‌توانیم در آمد کنیم.این یک عامل مهم کسری بودجه است و همین اسمال بین ۲ تا ۲۲ هزار و ۵۰۰همت است. این‌ها عده‌های بزرگی هستند، اما من سهم اصلی را به مشکلات ساختاری اقتصاد نسبت می‌دهم.»

■ **چرا در جنگ نرخ دلار گران نشد؟**

وی با طرح این سؤال که چرا در جنگ نرخ دلار گران نشد، می‌گوید: «اگر جنگ می‌خواست اثر سیاسی و روانی بگذارد باید اول از همه اثرش را روی قیمت دلار می‌گذاشت. این در حالی است که ما چه در جنگ

۱۲روزه و چه در جنگ رمضان افزایش قیمت دلار ندیدیم، زیرا آن نشتی که اقتصاد ایران ماهی ۳ تا ۴میلیارد دلار خروج سر مایه دارد -به شکل پول بلیت مسافرت خارجی یا خروج سرمایه- در این جنگ اتفاق نیفتاده و همین باعث ثبات قیمت دلار و طلاشده است. ضمن اینکه در دنیا قیمت طلا هم پایین آمده است.» لیلاز اظهار می‌دارد: «من تصور می‌کنم عامل اصلی تورم همچنان ساختار اقتصاد ایران است که تورم‌را است و قبلاً هم تورم داشته‌ایم. البته بسیار بستگی به سیاست‌های دولت از این به بعد دارد. اگر دولت بتواند تا حدی رشد نقدینگی در آن بخش غیرمرب‌تباط با کسری بودجه را کنترل کند، شرایط بهتر خواهد شد. پیشنهاد من به دولت این است که از افزایش کسری بودجه برای کنترل نرخ تورم نترسد و اجازه ندهیم کیک اقتصاد کوچک شود. این مستلزم آن است که دولت هزینه‌های عمرانی را دو تا سه برابر کند و همچنین باید از اقشار فرودست جامعه حمایت جدی کند. این پیشنهادی است که به دولت شده و اطلاع دارم که دولت روی آن کار می‌کند. البته بخشی از ساختار اداری دولت زیرا اگر بخواهیم از گمرک کالا ترخیص کنیم، فرآیندها همانند قبل از جنگ انجام می‌شود.»

این اقتصاددان می‌گوید: «اگر در ماه‌های آتی نرخ تورم به دلیل جنگ افزایش یابد، مطلقاً جایی نه برای گریستن است، نه برای جازدن، نه برای ترسیدن و نه برای ترساندن. این جنگ بر ما تحمیل شده است و ما گریزی از آن نداشته‌ایم و نداریم. هر آنچه که توانستیم برای جلوگیری از جنگ پیشنهاد دادیم؛ هم برای جلوگیری و هم برای اتمام و آتش‌بس آن. دشمن ما از ابتدا معلوم بود که بنای پذیرش این پیشنهادها را ندارد. ایالات متحده امریکا یک ایرانی مستقل را بر نمی‌تابد. در این دوران ما همچنان تورم ساختاری داریم. البته یک مسئله سفته‌بازی نیز وجود دارد که بازار ممکن است براساس اطلاعاتی که به‌غلط یا درست از واقعیت‌های اقتصادی جنگ می‌گیرد خودش را تنظیم کند، مانند اتفاقاتی که الان در صنعت خودرو رخ می‌دهد.» لیلاز همچنین می‌گوید: «سا الان هم پیشنهاد دولت درخشان و عملکردبانک مرکزی بسیار خوب بوده است. اسمال هم بازندگی طوری است که به نظر م ۲۰ تا ۳۰ میلیون تن به ظرفیت تولید محصولات کشاورزی اضافه می‌کند و همین مقدار از فشار واردات و ارزی خواهد کاست و بقیه را هم دولت باید بتواند ذخیره نه دارد، زیرا چشم‌اندازی از پایان جنگ وجود ندارد. دشمن باید به این جمعیت‌های برسد که حریف ایران نمی‌شود.»

■ **پیششاد بدیم‌بره**
«یعنی خودکشی کنیم لیسلاز می‌گوید: «ممکن است برخی دوستان ما بگویند اقا حالا اونسی که اون می‌خواست بدیم بره، اما واقعیت این است که آن چیزی او می‌خواهد، یعنی خودکشی کنیم. یقیناً اگر این اقدام هم شود، تمام اورانیوم غنی‌شدنش را مثل لیبی با کشتی کند و بغرستند به یمن(کلا) سر سوزنی در معادلات بین‌المللی و روابط بین ایران و امریکا تغییر ایجاد نخواهد شد.» وی تأکید می‌کند: «۵۰سسال اسمال یا لیسلم می‌خواهد ما را بلعد و اگر ما قوی نباشیم، صلیحی در کار نخواهد بود. من نمی‌توانم به صلح‌طلبان هم مهیمنم این واقعیت را توضیح دهم، به دلیل کل بودن زبانم است. من نمی‌توانم توضیح بدهم که اگر ما معرفی باشیم، بیشتر در معرض جنگ خواهیم بود.»

خودروسازی در اولویت تأمین قرار گرفته‌اند.»

سیدمحمدتابک تأکید کرد: «وزارت صمت به‌دنبال تأمین نیاز واحدهای تولیدی است تا با حفظ اشتغال در این مجموعه‌ها، چرخ اقتصادی کشور با قدرت بیشتر استمرار یابد.» وی خاطر نشان کرد: «تعلبات بخش تولید از جمله ثبت سفارش‌ها، تسریع در ترخیص‌ها، درخواست افزایش سقف اعتبارات، مدیریت سهمیه‌بندی ارز، واردات خودروهای تجاری، تأمین قطعات مورد نیاز خط تولید و سایر موارد را پیگیری می‌کنیم تا با حفظ تولید و نیروی انسانی، ثبات بازار و امیدآفرینی در جامعه را شاهد باشیم.»

■ **بازسازی صنایع**

با بازسازی ظرفیت‌های مغفول

در راستای تسریع در بازسازی صنایع کشور پس از جنگ تحمیلی سوم، کمیته ملی بازسازی با ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شده است. در همین راستا، سعید توتوچی، کارشناس اقتصادی، با ارائه پیشنهاداتی در این زمینه گفت: «باید با انعقاد قراردادهای بلندمدت با کشور چین و شرق آسیا، با استفاده از اهرم فروش نفت برای تأمین مالی، پیمانکاری داخلی را در کنار چینی‌ها قرار دهیم تا با تسریع فناوری رز و کیفیت بالا، نیروگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و فولاد‌های آسیب‌دیده در جنگ را ظرف ماه‌ها (نه سال‌ها) دوباره -به مدار تولید برگردانیم تا تورم و رکود مدیریت شود.»

میثم‌ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، نیز در خصوص بازسازی صنایع کشور گفت: «اگر فقط ۲۰درصد نقدینگی یعنی حدود ۱۵میلیارد دلار از آن با هدایت دولت برای بازسازی استفاده شود، علاوه بر بازسازی پتروشیمی‌های آسیب‌دیده می‌توان چند واحد پتروشیمی همچون پتروشیمی امیرکبیر را ساخت.»

طبق آخرین آمار بانک مرکزی، کل نقدینگی موجود در اقتصاد حدود ۱۳۵۰۰همت است. یعنی سرمایه‌نقدی مردم و بانک‌ها حدود ۷۷میلیارد دلار از آن با هدایت دولت برای بازسازی استفاده شود، علاوه بر بازسازی پتروشیمی‌های آسیب‌دیده می‌توان چند واحد پتروشیمی همچون پتروشیمی طبق آخرین آمار بانک مرکزی، کل نقدینگی موجود در اقتصاد حدود ۱۳۵۰۰همت است. یعنی سرمایه‌نقدی مردم و بانک‌ها حدود ۷۷میلیارد دلار از آن با هدایت دولت برای بازسازی استفاده شود، علاوه بر بازسازی پتروشیمی‌های آسیب‌دیده می‌توان چند واحد پتروشیمی همچون پتروشیمی طبق آخرین آمار بانک مرکزی، کل نقدینگی موجود در اقتصاد حدود ۱۳۵۰۰همت است. یعنی سرمایه‌های سرگردان راهی بخش‌های تولیدی کشور شود.

■ **مدل‌های جدید وزارت اقتصاد برای بازسازی و تأمین مالی پسا‌جنگ**

در پی حمله امریکایی-صهیونیستی به برخی صنایع کشور، وزارت اقتصاد ۸۰۰فرصت سرمایه‌گذاری را در شرایط پسا‌جنگ در دستور کار قرار داده و مدلهای جدیدی برای بازسازی و تأمین مالی

در همین رابطه، مهدی حیدری، معاون وزیر